

وقتی رونالدو گریه کرد کسی نخندید

افشین خمند
گروه ورزش

روی نیمکت نشسته بود و پرش بلند بازیکن تیم ملی مراکش را می دید. این پرش‌ها تخصص او بود، همیشه او بود که این قدر بلند از روی زمین بلند می شد و فرمایش رسانه‌ها تیر می زدند: «خطوط هوایی سی آر سون». حالا او، کریستیانو رونالدو، بهترین گلزن تاریخ فوتبال ملی جهان، کسی که تعداد رکوردهایی که شکسته در یک صفحه کاغذ جا نمی شود، باید روی نیمکت بنشیند و منتظر باشد که یک پسر بچه بنفیکایی که تازه ۲۰ سالگی را پشت سر گذاشته، گل بزند تا او هم مثل دیگران بالا و پایین ببرد.

فوتبال بازی بی رحمی است. وقتی می خواهد اذیت کند، بد اذیت می کند. برایش آدم‌ها هم فرقی ندارند، برایش مهم نیست که کریستیانو رونالدو باشد یا نیمار یا هر کس دیگر، بعضی وقت‌ها بنا بر این است که همه چیز بد باشد و یکی از آن بالا پایین بیاید؛ مثل فواره‌ای که روزگاری در اوج بود.

رونالدو بزرگ، جام جهانی را با منفور شدن میان هواداران منچستریونایتد شروع کرد. بازیکنی که اسطوره این باشگاه محسوب می شد و حتی وقتی به این تیم گل می زد، کسی در اولدترافورد ناراحت نمی شد به یکباره و با یک مصاحبه کاری کرد که همان هواداران می گفتند: «برو، در را هم پشت سرت ببند».

در طول جام جهانی هم که نظرسنجی‌ها نشان می دهد، هواداران تیم ملی پرتغال هم از این که او را در ترکیب تیم شان ببینند خیلی خوشحال نمی شوند و ترجیح می دهند که میانگین سنی تیم خود را کمی پایین تر ببینند، البته نه با کنار گذاشتن پدرو پوگبا از ترکیب. انگار نه انگار این همان کریستیانو رونالدو است، مردی که یک عمر نماد و افتخار فوتبال شان بود و هر چه خوشحالی در این سال‌ها داشتند به او پل می زد.

حالا کریستیانو رونالدو در طبقه هفتم جهنم است. اصلا مهم نیست که همراه زندگی اش یا خواهرش علیه سرمربی پرتغال چه می نویسند. مسأله این است، یک اسطوره دیگر هم به آنجا رسید که از آن گریزی نیست، با شناسنامه‌ها یا هر چیز دیگری که پرتغالی‌ها دارند، نمی توان جنگید. تاریخ تولد یک واقعیت ثبت شده است و هر کس با هر میزان از استعداد یا پشتکاری، روزی به جایی می رسد که باید باور کنند، دیگرانی هستند که بالاتر از آنها می پرند. هر بازیکنی بالاخره به اینجا می رسد که می بیند خطوط هوایی او دیگر سوخت لازم را برای پرواز ندارد. طبیعت شوخی ندارد؛ او حتی از فوتبال هم بی رحم تر است. در جام جهانی ۲۰۲۲ اشک و گریه کم ندیدیم، ستاره‌های بی شماری بودند که با دو انگشت سعی داشتند قطرات سرازیر از دو چشم خود را کنترل کنند تا به گریه منتهی نشود اما یکی از تلخ ترین این اشک‌ها، گریه‌های کریستیانو رونالدو بود؛ وقتی از میان راهروهای ورزشگاه می رفت تا در غم بنشیند. این آخرین فرصت یک جنگجوی شکست خورده بود؛ یک جنگجوی پر افتخار که وقتی گریه می کرد، هیچ کس خنده اش نمی گرفت!



اشک‌های کریس رونالدو بعد از حذف پرتغال از جام جهانی فوتبال



۸ گل

۱۷۶۳ دقیقه حضور در بازی‌ها

۲۲ بازی

۲ پاس گل

۵ دوره حضور

آمارهای کریس در جام جهانی